

نسل‌های پس از انقلاب اسلامی تا چه میزان با شخصیت‌های برجسته و تأثیر گذار در پیروزی و تثبیت انقلاب آشنا هستند و از افکار و نقطه‌نظرات‌شان شناخت دارند؟ شخصیت‌هایی همچون محمد بهشتی، محمدعلی رجایی، محمدجواد باهنر، محمد مفتاح، عبدالحسین دستغیب، فضل‌الله محلاتی، محمود طالقانی، علی اندرزگو، حسن آیت، علی قدوسی، مهدی عراقی، محمود قاضی طباطبایی، مرتضی مطهری و… در جامعه امروز ما چقدر شناخته شده هستند، فراتر از نام یک خیابان یا میدان یا بهانه مناسبت روز و هفته‌ای در تقویم؟ چمران و باهنر نام دو انوایب و خیابان در شمال شهر تهران است و طالقانی، مفتاح، بهشتی و مطهری عنوان خیابان‌هایی در مرکز پایتخت. رجایی هم خیابانی است در جنوب شهر، حوالی ترمینال بعثت. شهادت آیت‌الله مطهری روز بزرگداشت مقام معلم نامگذاری شده و آیت‌الله مفتاح، روز وحدت حوزه و دانشگاه. شهادت محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر به دست منافقین کور دل هم بهانه نامگذاری هفته دولت است در تقویم رسمی ایران. در واقعیت اما آگاهی چندانی از سوابق مبارزاتی، خدمات، افکار، اندیشه‌ها و خطوط فکری این شخصیت‌های برجسته وجود ندارد و این بزرگواران نه فقط در موسم شهادت که در ایام پس از آن نیز مظلوم واقع شده‌اند. نه فقط نسل‌های بعدی انقلاب که نسل پدید آورنده و معاصر این واقعه عظیم هم مجال چندانی برای آشنایی با شخصیت‌های برجسته و انقلابی نداشته‌اند، از یابت کوچ و زود هنگام این عزیزان سفر کرده و اتفاقات متوالی و متعددی که انقلاب اسلامی از سر گذرانده است. شجره طیبه انقلاب هنوز ریشه عمیق و بدنه تنومندی پیدا نکرده بود که ابتدا دستخوش فتنه‌های متعدد ضدانقلاب و منافقین شد و بعد هم گرفتار یک جنگ ناخواسته و تحمیلی هشت ساله. سؤال این جاست که در بیش از سه دهه‌ای که از پایان دفاع مقدس و تثبیت انقلاب و آرام شدن اوضاع می گذرد، رسانه‌های جمهوری اسلامی چه اقدام و دیداری، مکتوب و مجازی شنیده‌اند در آشنایی نسل‌های انقلاب و به خصوص جوانان با آرا و اندیشه‌های شخصیت‌های اسلامی نقش مؤثر و مثبتی را ایفا کنند؟ در این مقال، نگاهی موجز به عملکرد هر یک از این رسانه‌ها در معرفی شخصیت‌های برجسته انقلاب و تبیین و تئور افکار و آرای‌شان داریم.

بسیاری از نویسندگان و محققان در حوزه فلسفه و جامعه‌شناسی، روانشناسی، حقوق و سایر رشته‌ها، به‌طور فزاینده‌ای به بررسی و تحقیق در این زمینه پرداخته‌اند و با استفاده از روش‌های علمی و تجربی، به تبیین و تئور کردن مفاهیم و پدیده‌های مختلف در این حوزه پرداخته‌اند.

دست‌های نسبتاً خالی تلویزیون

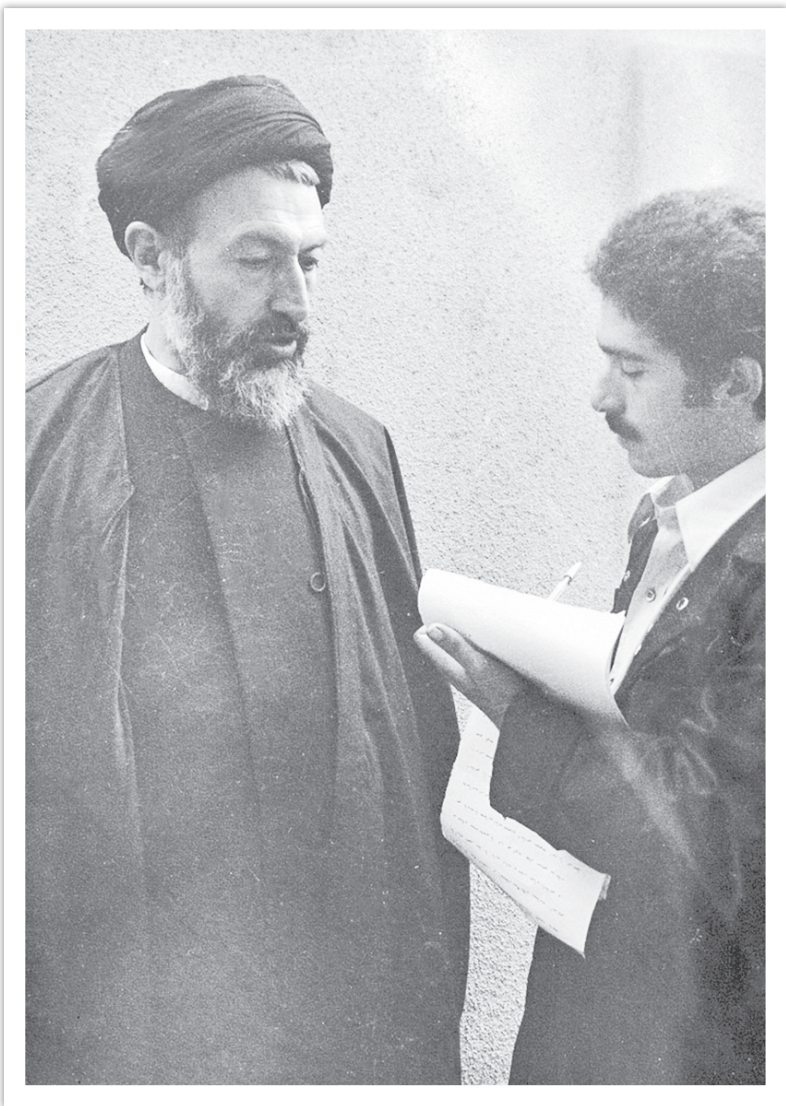
تا به امروز صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران هیچ سریال یا حتی تله‌فیلمی که به‌طور مشخص و مختص بر یکی از شخصیت‌های انقلاب اسلامی تمرکز داشته باشد نتوانسته است. از این منظر، این ادعا که دست تلویزیون از این بابت تقریباً خالی است گزاف به نظر نمی‌رسد. اگر هم سریالی ساخته شده و روی آنتن رفته است، قصه اصلی چیز دیگری بوده و فقط به شکل گذرا به یکی دو یا چند شخصیت نگاهی مقطعی و اشاره‌ای شده است و بس. برای مثال، در سریال «معمای شاه» شخصیت‌هایی همچون مقام معظم رهبری، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله مفتاح، آیت‌الله مطهری، آیت‌الله طالقانی و حتی امام راحل هم حضور داشته‌ند اما فقط در یکی دو قسمت و محدود به چند سکانس. سریال محمدرضا ورزی هیچ تمرکز جدی و جامعی به این شخصیت‌ها و اندیشه‌هایشان نداشت و به شکل گذرا به نقش آنان در شکل‌گیری و رویدادهای انقلاب می‌پرداخت. این در حالی است که زندگی سیاسی، سیر مبارزاتی، نقش‌آفرینی و حتی حیات شخصی هر یک از این شخصیت‌ها به تنهایی می‌تواند دستمایه ساخت سریال‌های مطلوب و جذابی قرار گیرد. سردال‌های مانند «صوبور» مجتبی راعی و «فتاب و زمین» علیرضا سجادیور هم فقط به دوران کودکی حضرت امام(ره) و زندگی و مبارزات پدر ایشان می‌پرداختند و کاری با شخصیت‌های بنیادگذار جمهوری اسلامی ایران به خصوص سیاس از مقطع تاریخی ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲

در باب ساخت آثار نمایشی دربارهٔ ویژگی‌های برجسته انقلاب اسلامی، دست سینما حتی از تلویزیون هم خالی‌تر است. به لحاظ کمی البته شاهد تلاش‌هایی در این رابطه بوده‌ایم اما از منظر خروجی و نتیجه، دستاورد خاصی حاصل نشده است. جدی‌ترین خیز سینمای ایران برای ساخت فیلمی دربارهٔ زندگی سیاسی و مبارزاتی شخصیت‌های انقلاب و به‌طور مشخص حضرت اسام(ره) را بهروز افخمی برداشت اما حاصل سال‌ها کار و صرف هزینه‌های هنگفت این کارگردان، فیلم نامیدکننده «فرزند صبح» بود که هیچ فرصت امکان عمومی پیدا نکرد و قربانی اختلاف میان کارگردان،

فرهنگی

آسیب‌شناسی پرداخت نمایشی به زندگی و آرای شخصیت‌های شاخص انقلاب اسلامی

انقلابیون مهجور در فیلم و سریال‌سازی



تهیه‌کننده و بنیاد حفظ و نشر آثار امام شد. فرزند صبح فقط در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و بعد هم به باگانی رسیده شد. شاید بتوان گفت بهترین اثر سینمایی در این رابطه بوده‌ایم اما از منظر خروجی و نتیجه، دستاورد خاصی حاصل نشده است. جدی‌ترین خیز سینمای ایران برای ساخت فیلمی دربارهٔ زندگی سیاسی و مبارزاتی شخصیت‌های انقلاب و به‌طور مشخص حضرت اسام(ره) را بهروز افخمی برداشت اما حاصل سال‌ها کار و صرف هزینه‌های هنگفت این کارگردان، فیلم نامیدکننده «فرزند صبح» بود که هیچ فرصت امکان عمومی پیدا نکرد و قربانی اختلاف میان کارگردان،

تهیه‌کننده و بنیاد حفظ و نشر آثار امام شد. فرزند صبح فقط در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و بعد هم به باگانی رسیده شد. شاید بتوان گفت بهترین اثر سینمایی در این رابطه بوده‌ایم اما از منظر خروجی و نتیجه، دستاورد خاصی حاصل نشده است. جدی‌ترین خیز سینمای ایران برای ساخت فیلمی دربارهٔ زندگی سیاسی و مبارزاتی شخصیت‌های انقلاب و به‌طور مشخص حضرت اسام(ره) را بهروز افخمی برداشت اما حاصل سال‌ها کار و صرف هزینه‌های هنگفت این کارگردان، فیلم نامیدکننده «فرزند صبح» بود که هیچ فرصت امکان عمومی پیدا نکرد و قربانی اختلاف میان کارگردان،

تهیه‌کننده و بنیاد حفظ و نشر آثار امام شد. فرزند صبح فقط در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و بعد هم به باگانی رسیده شد. شاید بتوان گفت بهترین اثر سینمایی در این رابطه بوده‌ایم اما از منظر خروجی و نتیجه، دستاورد خاصی حاصل نشده است. جدی‌ترین خیز سینمای ایران برای ساخت فیلمی دربارهٔ زندگی سیاسی و مبارزاتی شخصیت‌های انقلاب و به‌طور مشخص حضرت اسام(ره) را بهروز افخمی برداشت اما حاصل سال‌ها کار و صرف هزینه‌های هنگفت این کارگردان، فیلم نامیدکننده «فرزند صبح» بود که هیچ فرصت امکان عمومی پیدا نکرد و قربانی اختلاف میان کارگردان،

علی قهرمانی پژوهشگر و نویسنده، آثاری از جمله: مادر یعنی فاطمه، بانوی

بهشت، معلم فرشته‌ها، یک گام تا خدا، صدفی برای گوهر در پاره هویت زاننه حجاب و عفاف، پیامبر کربلا درباره حضرت زینب و مسیح اسلام درباره حضرت علی و تألیف کرده است. وی علاوه بر تدریس در حوزه علمیه، مدیر مؤسسه ندای فطرت واز مؤسسان بهداشت منوی درباره فرقی و جریان‌های انحرافی است.مدتی هم عضو هیئت مدیره و مسئول واحد انجمن واحد معنویت و رسانه بوده است. در حال حاضر نیز در واحد آموزش انجمن مطالعاتی فضای مجازی قم فعالیت دارد و مدیریت بخش مطالعاتی فضای مجازی حوزه علمیه به عهده اوست. «جوان» با وی گفت‌وگو کرده است.

چطور شد از مهندسی بیولوژی به نویسندگی و حوزه علمیه رسیدید؟

قبل از ورود به حوزه، کتاب‌های ادبی و شعر و قصه زیاد می‌خواندم. یادم است پدرم برای من کتاب به صورت تکیه نمی‌خرید بلکه گونی گونی کتاب می‌خرید تا بخوانم. سال آخر دبیرستان با دوست طبله آشناشدم که مسیر زندگی مرا عوض کردند. آقای محمدی فعال فرهنگی و دبیر کل کانون سربازان صاحب الزمان و حاج آقافتحی شخصیت

بیشتر کار نبود تا کتاب‌ها در این زمینه به صورت درس جزوی باشد نه جنبی، چراکه وقتی ادبیات و هنر مسئله اصلی در حوزه نباشد خود به خود تلاش طلب علاقمند به صورت شخصی وارد این موضوع می‌شوند. **گویا نوشتن کتاب برای طلاب امتیاز است، آیا تألیفات ادبی در این ردیف قرار دارد؟**

چون ساختار و سیستم حوزه اینگونه نیست هنوز جدی نشده است. مثل اینکه در دانشکده پزشکی بگویند اگر کسی کتاب داستان بنویسد امتیازی برای آنها محسوب

اسدالله لاجوردی بودیم، به شکل کاملاً گذرا و سطحی. در این میان، شاید تاپدیلمی که به شکل کامل بر زندگی یکی از شخصیت‌های برجسته انقلابی تمرکز کرده است «ترباران» نوشته و ساخته علی‌اصغر شادروان باشد. این فیلم همه شصتی بر زندگی و مبارزات سیاسی شهید اندرزگو از مقطع زمانی ترور حسنعلی منصور در سال ۱۳۴۳ تا شهادت این چریک مبارز در رمضان سال ۱۳۵۷ می‌پردازد. ترباران با نرغم ضعف‌های ساختاری و روایت کردنی تجارتی‌اش اما با استقبال مردم مواجه شده و همچنین ارزش تماشا را دارد. بماند که فیلم شادروان بیشتر وجه

در حوزه ادبیات اوضاع کمی فرق می‌کند و این شاخه هنری کارنامه قابل تأملی در آشناسازی اهالی کتاب با زندگی و اندیشه‌های شخصیت‌های برجسته انقلاب اسلامی دارد. انتشار بیوگرافی، اتوبیوگرافی و مستندوارهایی بر اساس یا نگاه جدی به زندگی و سیر مبارزاتی انقلابیون شاخص و به قصد آشنایی خواننده با آرا و اندیشه‌های این شخصیت‌ها، دست کم در چند انتشارات به شکل جدی در دستور کار قرار دارد. از سوی دیگر، هر چه جلوتر رفته‌ایم این آثار از شعارزدگی‌های

گفت‌وگوی «جوان» با مدیر بخش مطالعاتی فضای مجازی حوزه علمیه

نقش فیک نیوزها را در فضای مجازی نباید نادیده گرفت

باید دید آن اشتباه مصداق چه رفتاری است سپس مراتب امر به معروف و نهی از منکر را به کار برد.

قبول دارید که در فضای مجازی به دلیل ناآگاهی به جای اصلاح دنبال جدال هستیم؟

در مواردی در دست است نقش فیک نیوزها را نباید نادیده گرفت. چندی پیش در کارگاهی عمومی کلاس سواد رسانهای داشتیم و نگاه تفکر انتقادی را درس می‌دادم. یادم است موردی در تویتر نشان دادم که اسم فرد کاملاً مذهبی و از اهل بیت بود. عکس پروفایلش روحانی بود که یکسری مطالب بالادینی تندن زدند و نتیجه‌اش از اینها در فضای مجازی کم نداریم که به نام روحانی در فضای مجازی تخریبگری می‌کنند.

آیا سامانه‌های داریم تا بتوان صفحه طلبه واقعی را از فیک در فضای مجازی تشخیص داد؟

مرکز مدیریت حوزه است که اگر افراد نسبت به شخصی در فضای مجازی شک دارند می‌توانند با این مرکز ارتباط بگیرند و دربارهٔ و تحقیق کنند که آیا او در حوزه پرورنده دارد یا نه؟ همچنین دوسه سامانه است که نخبران جزوی را معرفی می‌کند این‌ها می‌توان اسم پروفایل فرد را داد و هویتش را پیدا کرد.

شما به عنوان محقق کتابی دربارهٔ حضرت علی نوشتید ولی چرا آنقدر طول کشید؟

از سال ۸۴ شروع به نوشتن کردم. بیش از ۳۰۰ منبع در ارتباط با موضوع را دیدم، به طوری که از طریق آن توفیق پیدا کرده‌امنهایی که دربارهٔ سبک زندگی حضرت زهر(س) و امام علی(ع) بودا را هم پیدا کنم. خروجی کار شد «مسیح اسلام» که دربارهٔ حضرت علی است. به دلیل حساسیت موضوع بعضی داستان‌ها را بیش از ۷۰ بار ویرایش کردم چون معتقدم کار برای اهل بیت مهم و حساس است، می‌خواستم وژه به واره برای خودم قابل دفاع باشد و دانشته‌های ذهنی‌ام را به حضرات نسبت ندمم چون یک کلام می‌تواند معنا را زیر و رو کند.

خاطرهای از تأثیر گذاری کتاب هم دارد؟

شاگردی داشتم که خانمی اروپایی بود و در بخش فرصت‌های مطالعاتی بودیم و ایشان اصرار داشت مطالب بیشتری برایش بگویم. گفتم داستان‌هایی دارم که می‌توان با الهام از آنها به معنویت بیشتری دست یافت.به همین دلیل کتاب را به ایشان دادم. بعد از مدتی به کشورش رفت. آنقدر به محتوا و داستان‌ها علاقه پیدا کرده بود که می‌خواست همه را به زبان خودش ترجمه کند. این برام جالب بود که خصایص و سبک زندگی امام علی چقدر روی این خانم اروپایی تأثیر مثبت گذاشته بود.



می‌شود ولی دانشجویان پزشکی بگویند هیچ ارتباطی به ساختار ما ندارد که امتیاز تلقی شود ما پزشکی می‌خوانیم. در حوزه علمیه هم همین طور است، سیستم حوزه روایت اجتهادی دارد تا نوشتاری، درحالی که اگر زمینه آن ایجاد شود تأثیرگذاری بیشتری دارد. **چرا این عمومیت در حوزه‌ها نیست؟**

کل حوزه‌های علمیه کشور در مقایسه بافقط حجم دانشگاه تهران خیلی کم هستند شاید نصف هم نباشند. تعداد طلاب در مقابل دانشجویان خیلی کم است، بنابراین اگر یک طلبه کارایی لازم را نداشته باشد درست نیست، برای همین به نظرم ساختار حوزه باید مقداری روایت کرد. از عوض تخصص‌های مختلفی که با علوم اسلامی و آسانی ارتباط بیشتری دارد استفاده شود که متناسفانه از اواخر دوران قاجار و پهلوی تا توانستند تلاش کردند حوزه را محدود به فقه و اصول کنند، در صورتی که اگر قرار باشد دین در جامعه کارآمدتر باشد باید بتواند در موضوع شناسی وسط معرکه باشد و سپس راهکار مناسبی از دین برای جامعه تجویز کند، چراکه وقتی حوزه به فقه و اصول آن هم به شکل گلخانه‌ای محدود شود بدون اینکه مسائل را در نظر بگیرد چگونه می‌تواند در اجتماع عمل کند. البته در نگاهی منصفانه دو دهه است که کار جدی آغاز شده است و تحول در حوزه که مقام معظم رهبری مطالبه کردند اتفاق خوبی است؛ مثلاً دربارهٔ ارز دیجیتال در حوزه قم سلسله بحث‌ها شد و این نشان می‌دهد حوزه در گیر مسائل اجتماعی شده‌است اما از آنجا که در گذشته و اوایل انقلاب حوزه نتوانست جایگاهش را پیدا کند و جریان رسانه هم ارتباط مردم با حوزه‌ها را تخریب کرده است. دانش آموزان و نوجوانان از حوزه شناختی ندارند و این بخش به خود ما مطالب برمی‌گردد که چقدر دغدغه داریم تا تبیین مردم برویم و با جوان‌ها ارتباط داشته باشیم و به نظر در این حوزه کم کاری شده است.

شما به عنوان یک طلبه جزوی خودتان را بیشتر محقق و پژوهشگر می‌دانید یا نویسنده؟

اول پژوهشگر و محقق هستم بعد نویسنده

حضور روحانیت را در فضای مجازی چگونه می‌بینید؟

مسئله شهرت آسیب‌های جدی دارد. اصولاً هر چیزی که شخص مجزوی و تبرج داشته باشد آسیب‌زاست، البته اینکه انسان محبوب باشد ایرادی ندارد اما اگر کاری کنیم شهرت بیشتر شود این عطلت است. فردی که با این شیوه عمل کند، درست نیست چون جلایه همراه دفعه‌است. فرد کنار جذب دیگران به خاطر چارچوب‌هایش مقداری می‌دفع می‌شود. **به نظر می‌رسد امر به معروف و نهی از منکر بین**

د

ساخت فیلم و سریال و حتی مستند دربارهٔ شخصیت‌های برجسته انقلاب اسلامی به لحاظ حساسیت‌های بالا، به راه رفتن روی لبه تیغ می‌ماند و فرآیندی حساس و نفسگیر است. برای ساخت چنین آثاری چه در سینما و چه تلویزیون باید تأیید ارگان‌ها و شخصیت‌های مختلف را گرفت و حتی رضایت خانواده‌ها را جلب کرد

اکشن‌گونه دارد و بر تعقیب و گریزهای ساواک و شهید اندرزگو متمرکز است و افکار و اندیشه‌های این چریک انقلابی در آن مغفول و مهجور مانده است.

سایه سنگین روشنفکر مآبی

تاتنر ایران همیشه چوب اداهای روشنفکری و غرب‌مانه‌اش را خورده و یک ساختار و روایت مافیاگونه بر آن حاکم بوده است. از این منظر، تمام داشته‌های انقلابی هنر صحنه بر برگزاری جشنواره تئاتر دفاع مقدس متمرکز و محدود است و در خارج از این رویداد رسمی و حکومتی، کمتر می‌توان سراغ آثار انقلابی را گرفت. با این حال، در پی کنکاش و رصد نمایش‌های روی صحنه رفته به خصوص در دهه ۹۰ می‌توان به آثاری رسید که با محوریت زندگی یکی از شخصیت‌های برجسته انقلاب اسلامی ساخته شده‌اند. از میان این نمایش‌ها می‌توان به «تکه‌های سنگین سرب» به کارگردانی ایوب آقاجانی اشاره کرد که در سال ۱۳۹۹ و با محوریت شهید چمران روی صحنه رفته است یا می‌توان نمایش «سردار» ساخته نادر برهانی مرند در سال ۱۳۹۵ را مثال آورد که با نگاهی به زندگی شهیدان همت و باقری اجرا شده است. در مجموع، تئاتر در این حوزه کارنامه قابل طرحی ندارد و به نظر می‌رسد اوج فعالیت‌های هنر صحنه در باب به سامان رساندن تئاتر‌هایی با محوریت شخصیت‌های شهید انقلاب به نمایش‌های خیابانی و میدانی دهه ۶۰ محدود باشد.

اوضاع متفاوت و بهتر کتاب

در حوزه ادبیات اوضاع کمی فرق می‌کند و این شاخه هنری کارنامه قابل تأملی در آشناسازی اهالی کتاب با زندگی و اندیشه‌های شخصیت‌های برجسته انقلاب اسلامی دارد. انتشار بیوگرافی، اتوبیوگرافی و مستندوارهایی بر اساس یا نگاه جدی به زندگی و سیر مبارزاتی انقلابیون شاخص و به قصد آشنایی خواننده با آرا و اندیشه‌های این شخصیت‌ها، دست کم در چند انتشارات به شکل جدی در دستور کار قرار دارد. از سوی دیگر، هر چه جلوتر رفته‌ایم این آثار از شعارزدگی‌های

بسیاری از نویسندگان و محققان در حوزه فلسفه و جامعه‌شناسی، روانشناسی، حقوق و سایر رشته‌ها، به‌طور فزاینده‌ای به بررسی و تحقیق در این زمینه پرداخته‌اند و با استفاده از روش‌های علمی و تجربی، به تبیین و تئور کردن مفاهیم و پدیده‌های مختلف در این حوزه پرداخته‌اند.

^[1] بسیاری از نویسندگان و محققان در حوزه فلسفه و جامعه‌شناسی، روانشناسی، حقوق و سایر رشته‌ها، به‌طور فزاینده‌ای به بررسی و تحقیق در این زمینه پرداخته‌اند و با استفاده از روش‌های علمی و تجربی، به تبیین و تئور کردن مفاهیم و پدیده‌های مختلف در این حوزه پرداخته‌اند

^[2] تا به امروز صدا و سیما ی جمهوری اسلامی ایران هیچ سریال یا حتی تله‌فیلمی که به‌طور مشخص و مختص بر یکی از شخصیت‌های انقلاب اسلامی تمرکز داشته باشد نتوانسته است

^[3] در باب ساخت آثار نمایشی دربارهٔ ویژگی‌های برجسته انقلاب اسلامی، دست سینما حتی از تلویزیون هم خالی‌تر است